

صدر اسلام رو یادتون هست؟

خیلی ها اعمالشون رو از پیامبرمون "تقلید" می کردن، مثلاً نماز میخوندن مثل ایشان، روزه میگرفتن، زکات میدادن، مسجد میرفتن و...

اما فقط تعداد محدودی مثل پیامبر "می اندیشیدن"! آخره برای اینکه بتونن مثل پیامبر فکر کنن دیگه نمیشد "تقلید" کنن، فقط راهش "تعلیم" بود پای درس نبی خدا، که البته اونها خیلی "متکبر" تر از این حرفها بودن که پای درس کسی بنشینن...

(راستی تکبر به زبان فلسفی یعنی؛ "خود خاص بینی")

در "انقلاب اسلامی" هم خیلی ها کنار "امام خمینی" بودن و اداش رو در میآوردن! ولی فقط تعداد محدودی مثل امام "می اندیشیدن"، ما بقی در دلشون خودشون رو یک امام میدونستن! برا همین نیاز به تعلیم نداشتن... مردم طفلک ما که بندگان خدا همیشه در "صحنه" بودن و هر کاری میگفتن "خواص" انجام میدادن...

این وظیفه ی "علما" بود که مثل امام بیندیشان و بستر مثل امام اندیشیدن رو برای مردم فراهم کنن...

ولی بعد گذشت ۴۵ سال تا همین لحظه که دارم براتون مینویسم حتی یک واحد درسی هم در حوزه علمیه در تلویزیون در رادیو معارف، رادیو قرآن، رادیو زیارت، رادیو تلاوت، رادیو فرهنگ، مساجد، هیئت ها، منبرها، از "آثار امام خمینی" که همون اندیشه ی اوست، یعنی کتابهاش درس داده نمیشه، گفته نمیشه...

حوزه علمیه اندیشه اش رو از "امام خمینی" نمیگیره از کی میگیره پس؟! اشتباه نرید یوقت! "انقلاب اسلامی" جلوه ی اندیشه ی حکیمانه و بی نظیر امام خمینی بود، تا این اندیشه رو شناسید نه "انقلاب" رو شناختید نه "انقلابی" واقعی رو!

اندیشه ی او رو هم فقط و فقط در کتاب هاش می شود یافت...